

(ملقب به بهرام گور) از طریق اردبیل به آمل و گرگان و از آنجا به خطه خراسان رفته و خاقان هیاتله را کشته است.^{۲۹}

پیروز پادشاه ساسانی که در سال ۱۰۱۸ شاهنشاهی (۴۵۹ میلادی) به سلطنت رسید خرابیهای اردبیل را که بر اثر خشکسالی و حملات طوایف شمال بنام (هون) ایجاد شده بود ترمیم کرد احتمالاً به دستور او دور شهر بارو ساخته‌اند و از آن تاریخ بنای این شهر به این پادشاه نسبت داده شده و به باذان پیروز معروف شده است.

خسرو انوشیروان (۱۰۹۰ تا ۱۱۳۸ شاهنشاهی = ۵۳۱-۵۷۹ میلادی) پس از آنکه با پادشاه خزر صلح کرد دیوار طولانی از سنگ و سرب برای جلوگیری از حملات بعدی خزرها در کوه قفقاز ساخت و بر آن درآهنی نهاد. این دیوار که از دربند شروع میشد در دوره اسلامی به باب‌الابواب، باب‌الحدید یا دمیرقاپو معروف شد. در خلال ساخته شدن دیوار قفقاز بدستور انوشیروان خرابیهای شهر اردبیل نیز مرمت گردید و همین امر موجب شده که بعضی از مؤلفین اسلامی بنای اردبیل را به انوشیروان نیز نسبت دهند. صاحب‌زین‌الاکخبار در این باره مینویسد: «شهر بندگان، همدان، بغداد، کهن، اردبیل، مداین و دیوار باب‌الابواب را انوشیروان بنا کرد.»^{۳۰}

در شاهنامه فردوسی به آباد شدن اردبیل در زمان خسرو - انوشیروان چنین اشاره شده است:

۲۹- شاهنامه فردوسی چاپ تهران ص ۳۹۴

۳۰- زین‌الاکخبار تألیف ابوسعید عبدالحی بن‌الضحاک ابن محمود گردیزی به کوشش عبدالحی حبیبی بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۴۷ ص ۳۳

جهانرا به بخشید بر چهار بهر وزو نامزد کرد آباد شهر
 وزین بهره برد آذربادگان که بخشش نهادند آزادگان
 وز ، ارمنینه تا در اردبیل به پیمود بینادل و بوم گیل^{۳۱}
 در زمان هرمز چهارم در سال ۱۱۴۷ شاهنشاهی (۵۸۸ م)
 زمانی که قشون ایران باروم در جنگ بود اردبیل و ارمنستان
 مورد تاخت و تاز سپاهیان روم قرار گرفت و قشون روم از اردبیل
 تا ارمنستان پراکنده شدند .

سپه بود رومی عدد صد هزار سواران جنگ آور و نامدار
 ز ارمنینه تا در اردبیل پراکنده شد لشگرش خیل خیل^{۳۲}
 در عهد این پادشاه مرزبانی بردع و اردبیل با بهرام چوبینه
 سردار دلیر ایرانی بود .

ز بهرام بهرام پور گشسب سواری سرافراز و پیچیده اسب
 ز اندیشه من نخواهد گذشت ندیدم چون او مرزبانی به دشت
 که دادی بدو بردع و اردبیل یکی نامورگشت باکوس و خیل^{۳۳}
 پس از آنکه بهرام چوبینه علیه خسرو دوم معروف به
 خسرو پرویز (۱۱۸۹ تا ۱۲۲۶ شاهنشاهی = ۵۹۰-۶۲۷ میلادی)
 قیام کرد و از مردم بردع و اردبیل کمک خواست مردم اردبیل
 مخصوصاً بردع از وی روی برگرداندند . فردوسی در فصل
 پادشاهی خسرو پرویز در شاهنامه در این باره چنین میگوید:^{۳۴}

۳۱- شاهنامه فردوسی چاپ مسکو ۱۹۶۷ جلد هشتم ص ۵۵

۳۲ و ۳۳- شاهنامه فردوسی چاپ مسکو جلد هشتم ص ۲۳۲ و ۲۲۸

۳۴- شاهنامه فردوسی چاپ مسکو جلد چهارم ص ۴۲ و خطابه آقای دکتر
 امین پاشا اجلائی در ششمین کنگره تحقیقات ایرانی در تبریز. سپاسگزارم که
 قسمتی از خطابه خود را قبل از انتشار در اختیار اینجانب گذاردند.

وزین روی به نشست بهرام کرد
 سپهدار بپرسید زان سرکشان
 فرستید هرکس که دارید خویش
 سپه ماند از بردع و اردبیل
 از ایشان به رزم اندرون نیست باک
 چه مردان بردع چه یک مشت خاک

در زمان این پادشاه ، بندوی یکی از سرداران این دوره که
 در عین حال برادر گستم^{۳۵} و خال خسرو پرویز بود پس از هفتاد
 روز از زندان بهرام چوبینه فرار کرد و راهی اردبیل شد .

چو بندوی از آن کشتن آگاه شد
 برو تابش روز کوتاه شد
 گرفت او در آن شهر راه گریز
 یلان تا نبیند از او رستخیز
 بمنزل رسیدند و بفزود خیل
 گرفتند تا زان ره اردبیل^{۳۶}

اردبیل در دوره اسلامی

اعراب در فتح آذربایجان متوجه پایتخت آن اردبیل که قلمرو
 حکومت آن شامل شهر میانه تا باجروان و شهر شیز بود گزیدند .
 فتح آذربایجان در سال ۲۲ هجری بدست حذیفه بن الیمان روی داد .
 در این زمان مرزبان آذربایجان در اردبیل می نشست و حساب
 خراج بدست او بود . وی گروهی از جنگجویان باجروان ، میمذ

۳۵- گستم علیه خسرو پرویز قیام کرد در مملکت جبال، ری، حدود خراسان
 گرگان و طبرستان به پادشاهی نشست و تاج نهاد و سکه زد. در متن سکه که به خط
 پهلوی است گستم خوانده میشود. این نام، وستهم، وستام، بهردو املا خوانده
 میشود و چون واوهای قدیم بعدها به باء تبدیل یافتند، وستام شده و بالاخره در
 املاهای اسلامی تبدیل به «بسطام» باطاء شده است. شهر بستام و طاق بستان که
 در اصل «وستام» بضم اول منسوب بدو است. طبق نوشته ملك الشعراء بهار اصل
 آن «وستهم» است که بعداً «وستام» و سپس بستام شده است (مجموعه ۱۰۰ مقاله
 ملك الشعراء بهار به کوشش محمد گلبن ص ۲۴۱ و ۲۴۴)

۳۶- شاهنامه فردوسی چاپ مسکو جلد هشتم ص ۳۳۲

نریز ، سراب ، شیز و میانه و از دیگر نقاط آذربایجان جمع کرد و با شدت هرچه تمامتر با اعراب جنگید اما چون کاری از پیش نبرد با پرداخت هشتصد هزار درهم (که وزن هر ده عدد آنها هشت مثقال بود) با اعراب صلح کرد و شرط نمود که از آنها کسی را نکشند و یا به اسیری نگیرند و آتشکده‌هایشان را ویران نسازند و برگردان بلاسجان و سبلان و ساترودان تعرض نکنند و مردم شیز را که در آن زمان یکی از شهرهای مقدس زردشتیان بود از رقص و پایکوبی در اعیاد و انجام دیگر مراسم‌شان بازدارند .

پس از چندی حدیفة بدستور عمر ، عزل شد و عتبة بن فرقد بجای او منصوب گشت ، در زمان او مردم اردبیل علیه اعراب شورش کردند عتبة بن فرقد چون به اردبیل رسید بنا شورشیان جنگید و بر آنها پیروز شد و غنائم بسیاری از آنان گرفت .

در زمان خلافت حضرت علی (ع) ولایت آذربایجان نخست با سعید بن ساریه خزاعی و سپس با اشعث بود در زمان ولایت اشعث اکثر مردم آذربایجان اسلام آورده بودند و قرآن میخواندند . او گروهی از اعراب اهل عطا و دیوان را (کسانی که از بیت‌المال حقوق سالانه میگرفتند) در اردبیل سکونت داد و به آنان امر کرد که مردم این سامان را به اسلام دعوت کنند .

اشعث اردبیل را پایتخت خود ساخت و در مدت حکومت او اردبیل آباد شد بدستور ، وی مسجدی در اردبیل بنا کردند و این مسجد بعدها توسعه یافت .

هنگامیکه سپاهیان عرب در آذربایجان و اردبیل بودند عشیره‌های عرب از کوفه ، بصره و شام بدانجا روی آوردند . اینان هرچقدر توانستند برای خود زمین بدست آوردند و گروهی از ایشان زمینهای ایرانیان را خریدند و عده‌ای از زارعین نیز

برای اینکه زمینهای خود را حفظ کنند به آنان سپردند و خود کشاورز ایشان شدند. ۳۷

در سال ۱۰۷ هجری یعنی در زمان هشام بن عبدالملک خلیفه اموی، خزرها از راه دربند گذشته به استان بیلقان در کنار رود ارس حمله بردند و سپس از ارس گذشته بسوی ایران رهسپار شدند و تمام آذربایجان را گرفته غارت کردند و اردبیل را ویران ساختند. ۳۸ خزرها همه مردان بالغ شهر را کشته و زن و فرزندان آنان را به اسیری بردند. در آن زمان سه هزار تن مسلمان در اردبیل سکونت داشت. ۳۹

در اواخر قرن دوم هجری یعنی در زمان حکومت مأمون که آذربایجان همچنان بدست خلفای بغداد اداره میشد یک نهضت مذهبی و اشتراکی که مبتنی بر احساسات ملی و عقاید مزدکی بود بنام خرم دینان پدید آمد، بابک در حدود سال ۲۰۱ هجری به پیشوائی خرم دینان رسید و در اردبیل و حوالی آن مدت ۲۲ سال مبارزه او با دولت عباسی طول کشید.

پنجاه سال بعد از شکست بابک خرم دین یعنی از سال ۲۷۶ تا ۳۱۷ هجری در آذربایجان سلسله ساجیان بوجود آمد. مرکز ساجیان نخست در مراغه بود بعداً به اردبیل انتقال یافت.

اولاد محمد بن ابی الساج تا سال ۳۲۵ هجری در اردبیل و

۳۷- بلاذری در کتاب خود (فتوح البلدان) فتح آذربایجان را از قول یک نفر اردبیلی بنام حسین بن عمرو نقل کرده مینویسد که: «حسین بن عمرو اردبیلی، از ائمه اردبیلی و او از شیوخی که خود دیده بود روایت کند...» (فتوح البلدان، ترجمه آذرتاش آذرنوش، بنیاد فرهنگ ایران سال ۱۳۴۶ ص ۱۶۳ تا ۱۶۷)

۳۸- تعلیقات مینورسکی بر سفرنامه ابودلف ترجمه ابوالفضل طباطبائی، تهران ۱۳۴۲ ص ۱۰۲

۳۹- تاریخ طبری

بردع و مراغه حکمرانی میکردند اما در اواخر کار قدرت زیادی نداشتند و خود را تابع حکومت بغداد میدانستند ، در سال ۲۷۶ از طرف موفق برادر معتمد خلیفه به فرمانروائی آذربایجان رسید و اردبیل را تختگاه خود ساخت و مراغه را از عبدالله بن حسن همدانی بگرفت (۲۸۰ هـ) پس از مرگ ابوالمسافر فتح بن محمد الافشین (که در شعبان ۳۱۷ هجری اتفاق افتاد) آذربایجان باز بدست خلفای عباسی افتاد . در اوایل خلافت عباسیان مراغه و سپس اردبیل و از اواخر دوره های خلافت عباسیان تاکنون تبریز در میان شهرهای آذربایجان مقام اول را پیدا کرد .

در قرن چهارم هجری ابن حوقل مراغه را شهری به اندازه اردبیل دانسته و گوید مراغه مدت زمانی کرسی آذربایجان بود و سپس قسمت اداری آن ایالت به اردبیل منتقل شد .^{۴۰}

تا اوایل قرن چهارم اردبیل مهمترین شهر آذربایجان و پایتخت آنجا بود و برج و باروی محکمی داشت و بقول ابن حوقل طول و عرض شهر دوسوم فرسخ در دوسوم فرسخ بود ، بناهای آن اغلب از گل و آجر و شهرداری حصار استوار و چهار دروازه داشته است.^{۴۱}

در داخل شهر قلعه منبع و در بیرون قلعه حومه وسیع قرار داشته است شهرقشون مرتب و حقوق بگیر داشته و بنا بنوشته مورخین مردم اردبیل تندخو بوده اند .

در اوائل قرن چهارم در جنگ مرزبان با «دیسم کرد» حصار شهر بدستور مرزبان بدست بازرگانان و ارباب حرف آنجا ویران گردید . مرزبان در گرفتن مالیات و اموال مردم آنچنان بآنان سختی

۴۰- ابن حوقل، صورة الارض ، ترجمه جعفر شعار، بنیاد فرهنگ ایران

۱۳۴۵ ص ۸۳ و ۸۴

۴۱- صورة الارض و پیشین ص ۸۳

گرفت که عده‌ئی از مردم بکوه‌ها و بیابانها متواری شدند . اینان مسافران را کشته و اموال آنان را غارت میکردند . ۴۲

در این دوره بعلت جنگهای پی‌درپی نظم شهر اردبیل بهم خورده و بقول ابن‌حوقل مردم از سلطان پروا نداشتند . فروشندگان دربار مردم اجحاف میکردند . ابن‌حوقل در این باره مبالغه کرده می‌نویسد : « . . . در باب مردم اردبیل داستانها شنیده‌ام از جمله آنکه گفتند کسی از قصاب آنجا گوشت می‌خرد از وی خواست گوشت را از آنجای گوسفند ببرد که دلخواه اوست . قصاب مقداری از ردای خریدار را برید و با گوشت در ترازو گذاشت و قصابی دیگر از آستین خریدار بریده و دیگری از دستار مشتری را . » ۴۳

در این موقع هر یک من و نیم گوشت را بیک درهم می‌فروختند . یکنوع ماهی لذیذ از ورثان نزدیک رود ارس به اردبیل می‌آوردند . سایر مایحتاج مردم مثل نان و روغن و عسل و گردو و مویز و خوردنیهای دیگر ارزان بوده است . نان را بعدد می‌فروختند پنجاه عدد نان یک درهم بود . ۴۴

مؤلف حدودالعالم که در نیمه دوم قرن چهارم هجری به اردبیل مسافرت کرده مینویسد که از آنجا جامه‌های برد و رنگین خیزد . در این دوره که حصار شهر اردبیل بدستور وهسودان مجدداً ساخته شده بود شهر اردبیل پایتخت آذربایجان و بزرگتر از تبریز بود . صاحب حدودالعالم که در آن زمان شهرهای اردبیل و تبریز را دیده از شهر اردبیل بعنوان شهر عظیم و از تبریز بعنوان شهرک نام برده و نوشته است « اردبیل قصبه آذربادگانست ، شهری عظیم است و گرد وی باره است شهری سخت نعمت بوده اکنون کمتر است و مستقر ملوک آذربادگانست . » ۴۵

۴۲ و ۴۳ و ۴۴ - صورة الارض پیشین ص - ۸۳

۴۵ - حدودالعالم به اهتمام منوچهر ستوده . دانشگاه تهران سال ۱۳۴۰ ص ۱۵۹

در نیمه دوم قرن ششم هجری اردبیل شهری پر نعمت و دارالملک بود مردم آن شجاع و دیندار بودند. ۴۶

در قرن ششم و هفتم هجری بعثت حملات پی در پی گرجیها شهر اردبیل بخرابی گرائید. گرجیان عده زیادی از مردم را کشتند و مسجد جمعه این شهر را خراب کردند. ۴۷

در کتاب خطی صریح الملک در این باره چنین نوشته شده است «شیخ صدرالدین روایت کرد که شیخ صفی روزی که از اردبیل میگذشت اطراف اردبیل بواسطه خرابی گرجیها هنوز بایر بود و اندکی از باروی شهر که هنوز نیمه ریخته بود برپای بود.»

در این زمان بازار وسط شهر قرار داشت و بشکل صلیب بود و مسجد جامع در وسط بازار واقع شده بود.

در اوائل قرن هفتم در داخل و خارج شهر انهار زیادی جاری بوده و صنعت این شهر رونق داشته و بقول یاقوت حموی کارهای مردم به رسم معمول خوب و بی عیب بود ولی پارچه بافی آن چندان پیشرفتی نداشته است و پارچه خوب را از ری میاوردند.

در این موقع مردم از درختان جنگل برای صنعت استفاده میکردند و روایت یاقوت در این باره چنین است:

«بین بحر خزر و اردبیل بیشه ایست انبوه که مردم بهنگام اضطراب بدانجا التجاء کنند و بدین ترتیب از ایذاء دشمنان مصون مانند و بعلاوه درختان آن قطع کنند و از خلنج (خدنک) کاسه ها و سینیها سازند. در اردبیل صنعتگران بسیار بدین کار مشغولند

۴۶- محمود بن احمد طوسی. عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات باهتمام منوچهر ستوده، ۱۳۴۵ ص ۸۰

۴۷- صفری، بابا، اردبیل در گذرگاه تاریخ

۴۸- صریح الملک، کتاب خطی، باب ششم ص ۲۰۹

ولی قطعه‌ای از این قبیل خالی از عیب بدست نیاید و من نزد صنعتگران مزبور شدم و قطعه بدون عیب خواستم گفتند ممکن نیست و بهتر این نوع را از ری بدست آورند و من خود از ری نزد صنایع آن شدم و قطعات سلیمه بسیار دیدم.^{۴۹}

در اوایل قرن هفتم (۶۱۸ هجری) مغولان اردبیل را مورد حمله و غارت قرار دادند و مردم را کشتند و شهر را که برج و باروی محکمی داشت خراب کردند و اندکی پیش از حمله مغولان به اردبیل یا قوت آنجا را دیده و در این باره چنین مینویسد:

«پس از انفصال من از اردبیل مغولان بدانجا حمله کردند و بین آنان و مردم شهر جنگها درگرفت و بسختی مدافعه کردند که دوبار سپاه مغول از آنجا منصرف شدند و بار سوم بازگشته و براهالی شهر غلبه کردند و آنجا بگشودند و مسلمانان را بکشتند و احدی از ایشان را که دیدند زنده نگذاشتند جز کسانی که مخفی بودند از این مهلکه جان سلامت نبردند. مغولان آنگاه بازگشتند و اردبیل را بوضع ناپسند و کم سکنه باقی گذاشتند و اکنون بصورت اول و بهتر از آن برگشته است و در دست مغولان میباشد.»^{۵۰}

در نیمه دوم قرن هفتم مقدسی باین شهر مسافرت کرد مینویسد که خیرات در این شهر زیاد است. علما در آن کم و طبیب حاذق و واعظ مشهور ندارد اما حمامهای پاکیزه دارد.

در اوایل قرن هشتم که حمداله مستوفی از شهر اردبیل دیدن کرده ولایت اردبیل صد پارچه بوده و حقوق دیوانش هشتاد و پنج هزار دینار بوده است.

۴۹- نقل از لغت نامه دهخدا.

۵۰- نقل از لغت نامه دهخدا.

در این زمان مالیات وصولی از شهرهای آذربایجان یکسان نبوده مثلاً شهرستان اردبیل و سراب و خلخال با اینکه هر یک در حدود یکصد قریه را شامل میشدند متفاوت بود ولی دریافتی مالیات دیوان از شهرستان اردبیل بیشتر از شهرستانهای دیگر بود زیرا که اردبیل از نظر نزدیکی بشهرهای بزرگ و موقعیت راههای کاروان رو وضع بهتری نسبت به شهرهای مشابه خود از جمله ارومیه داشته است .

جدول زیر ارقام مالیات وصولی از شهرهای اردبیل، سراب، خلخال، زنجان، خوی و ارومیه را در اوایل قرن هشتم نشان میدهد.^{۵۱}

مالیات دیوان (بدینار)	تعداد قریه	بلوک
۸۵۰۰۰	۱۰۰	اردبیل
۸۱۰۰۰	۱۰۰	سراب
۳۰۰۰	۱۰۰	خلخال
۸۰۰۰	۱۰۰	زنجان
۵۳۰۰۰	۸۰	خوی
۷۴۰۰۰	۱۲۰	ارومیه

بنا به نوشته حمداله مستوفی در این زمان از اردبیل جو به گیلان صادر میشد و در آنجا با برنج مبادله میگردد .

در این زمان در اردبیل دو جماعت مغول و تاجیک یعنی

۵۱- مستوفی، حمدالله، نزهةالقلوب، بکوشش محمد دبیر سیاقی سال ۱۳۳۶
- پتروشوسکی، کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول. ترجمه کریم کشاورز ص ۱۸۵

ایرانی و ایرانی زبان سکونت داشتند و هنوز ترکان در اردبیل اکثریت نداشته و غلبه با تاجیکان بوده است.^{۵۲}

در این دوره املاک موقوفات شیخ صفی مورد تجاوز قرار میگرفت. در فرمان سلطان ابوسعید بهادر خان (۷۱۶-۷۳۶ هـ ق) بمردم اردبیل حکم اکید صادر شده که هیچیک از جماعت مغول و تاجیک حق تجاوز به املاک و موقوفات مقبره شیخ صفی الدین اردبیلی را ندارند و آن فرمان چنین است:

متوطنان اردبیل و توابع آن بدانند که مریدان شیخ الاسلام سعید صفی الدین قدس الله سره العزیز بعد از تقدیم وظایف و عبادت دولت روز افزون نمودند... بدان سبب این مکتوب در قلم آمد تا بر موجب احکام سابق مقرر دارند و هیچگونه تفسیر و تبدیل بدان راه ندهند. جماعت مغول و تاجیک بنا به واجب در املاک ایشان مدخل نشده و تصرف ننمایند.^{۵۳}

صفویه و اردبیل

شیخ صفی و اولاد او نزدیک به ۴۶۰ سال در ایران حکومت روحانی و سلطنت داشته اند.

شیخ صدرالدین موسی (۷۳۵ تا ۷۹۵ هـ) شیخ خواجه علی (یا سلطان علی ۷۹۵ تا ۸۳۳ هـ) هر دو در اردبیل زندگی میکردند و در آنجا نفوذ عظیمی داشتند ولی قدرت شان از حدود امور روحانی تجاوز نمیکرد.

در زمان خواجه علی تیمور به اردبیل آمد و بدستور او اردبیل دارالامان شد و حکام به امان دادن پناهندگان بارگاه شیخ صفی مجبور شدند.

۵۲- نجوانی، حاج حسین، مجله دانشکده ادبیات تبریز دوره پنجم شماره اول سال ۱۳۳۲

۵۳- نشریه دانشکده ادبیات تبریز، دوره پنجم شماره اول سال ۱۳۳۲

در زمان شیخ جنید عقاید تشیع بحد کمال رسید و نفوذ روحانی شیخ جنید در اردبیل آنچنان قوت گرفت که در شهر اردبیل حکومتی تشکیل داد .

مسافرت شیخ جنید به دیار بکر و ازدواج با خواهر اوزون- حسن ، خاندان صفوی را علاوه بر نفوذ معنوی و روحانی دارای قدرت سیاسی نیز نمود بطوریکه جنید پس از این ازدواج سیاسی با گروه زیادی از هواخواهان خود که در بین آنها عده زیادی از طایفه ذوالقدر بود به اردبیل برگشت و علیه سنی‌های داغستان به جهاد پرداخت و با سپاه ده هزار نفری به گرجستان حمله برد اما در اولین جنگ بقتل رسید .

روای کتابخانه مدرسه لیسه قم

پس از کشته شدن شیخ جنید پسرش شیخ حیدر (در سال ۸۶۰ هجری) به طرفداران خود که جملگی ترکمانان شیعی مذهب بودند تاج قرمز رنگ که ۱۲ چین داشت به نشان ۱۲ امام عطا کرد. از آن پس آنان را قزلباش (سرخ سران) نامیدند .

شیخ حیدر نخستین پیشوائی است که قشون قزلباشان را به شمشیر و نیزه و زوبین و گرز و سپر مجهز ساخت و حتی برای آشنا کردن پیروان خویش به رموز اسلحه سازی مدتها در خانقاه خویش در شهر اردبیل بساختن نیزه و زوبین و شمشیر سرگرم بوده است^{۵۴}

شیخ حیدر برای تدارک سپاه و تحقق بخشیدن به آرزوهای دیرینه خود از روش تهدید و ارعاب استفاده میکرد چنانچه اگر در اردبیل با مخالفت کسی روبرو میشده بفرمان وی مریدانش

۵۴- تاریخ عالم آرای امینی ص ۱۴۰ نسخه عکسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران - تاریخ سیاسی و اجتماعی دوره شاه عباس تألیف ابوالقاسم طاهری ص ۱۳۸ .

سگی را به نفت و گوگرد آغشته ساخته و آتش زده از پنجره بدرون خانه شخص مخالف میافکندند .

مسافرت شیخ حیدر به دیار بکر و ازدواج با دختر اوزون - حسن ، او را بفکر کسب تاج و تخت انداخت بطوریکه بمحض مراجعت به اردبیل مثل پدر اعلام جهاد کرد و پس از جمع‌آوری دوازده هزار نفر قزلباش بخونخواهی پدر از راه شیروان روانه چرکس و داغستان گردید .

در این حملات غنایم‌گرانبها نصیب جنگجویان صفویه گردید بویژه اسبان و دامها و اسیران فراوان از زن و مرد بدست‌مردان شیخ افتاد اینان اسیران را بنده خویش ساخته و بنا بنوشته «کارترینو زنو» سفیر و نیز عده‌ای از آنان را در بازار برده‌فروشان اردبیل بمعرض فروش گذاشتند .^{۵۵}

این لشگرکشی سال بعد که گروه زیادتری به هواخواهان شیخ حیدر پیوسته بودند مجدداً تکرار شد . مولف عالم‌آرای امینی مینویسد که در این جهاد ، شیخ حیدر ششم‌هزار اسیر با خود به اردبیل آورد .^{۵۶}

یعقوب شاه آق‌قوینلو فرزند اوزون حسن که از قدرت و نفوذ شیخ حیدر که در عین حال شوهر خواهرش بود بیمناک شده بود برای خاتمه دادن به نفوذ خاندان صفوی در چهارم رجب سال ۸۹۳ هـ با فرستادن قشون به کمک شیروان شاه ، لشگریان حیدر را بکلی شکست داد و سر بریده شیخ حیدر به پیش یعقوب شاه فرستاده شد .

(الف) شاهان سده سیزدهم

۵۵- تاریخ ایران ناز دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، تألیف پنج نفر از ایران شناسان شوروی ص ۵۰۲

۵۶- عالم‌آرای امینی - ص ۱۴۳

- تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران دوره شاه عباس تألیف ابوالقاسم طاهری ص ۱۱۰

با همه سختگیریهای آق قوینلوها اسماعیل کوچکترین فرزند ذکور شیخ حیدر پس از شش سال ونیم در بدری درگیلان در محرم سال ۹۰۵ هجری در حالیکه بیش از ۱۳ سال نداشت با عده‌ای از پیروان خود به اردبیل آمد. اسماعیل در سال ۹۰۶ هجری برای گرفتن انتقام پدر به شیروان لشگر کشید و پس از شکست شیروانشاه فرخ‌یسار، دشمن صفویه در اندک مدت سرزمین شیروان تا بندر باکو با قسمتی از آذربایجان را تصرف نمود. او در سال ۹۱۷ هجری در تبریز تاجگذاری کرد و خود را شاهنشاه ایران خواند و بنام خود سکه زد تشیع را مذهب رسمی کشور قرار داد.

سیمای شهر اردبیل در دوره صفویه

در دوره صفویه، اردبیل، برج و بارویی نداشت، دکانها و کاروانسراها در این شهر فراوان بود، سبزیجات و تره‌بار در آن به حد وفور یافت میشد، ماهی را از دریای گیلان و از مصب رود کورا به اردبیل می‌آوردند. در آن موقع شهر چندین دروازه داشت. دروازه رئیس سعد، دروازه نوشهر، دروازه اسفریس، دروازه مقابر از جمله آنها بوده است.^{۵۷}

دروازه اسفریس در حدود مقبره شیخ صفی قرار داشت. در این دوره میدان عالی‌قاپو که طول و عرض آن ۳۰۰×۱۵۰ پا بود بزرگترین میدان شهر بود. در این میدان مغازه‌های اصناف و پیشه‌وران جدا از همدیگر قرار داشت.

تاورنیه جهانگرد فرانسوی که در زمان شاه عباس دوم به اردبیل آمده درباره میدان عالی‌قاپو مینویسد «میدان شهر بزرگ است و طولش بیشتر از عرض آن میباشد. کاروانسرای قشنگی

۵۷- صفری، بابا. اردبیل در گذرگاه تاریخ جلد اول ص ۱۱۲.

که خان اردبیل بنا کرده در يك طرف میدان واقع شده و کاروانسراهای دیگر هم در سایر نقاط شهر هست که همه خوب و راحت‌اند» .

«و در اطراف آنها باغات خوب واقع شده خصوصاً باغ شاه که شروع میشود از يك خیابان طولانی به چهار ردیف درخت تا بدرب مدخل آن میرسد»^{۵۸}

از پشت میدان به بازار راه داشت . در بازار اول تیمچه بلند که چهارگوش بود قرار داشت در آنجا طلا و نقره آلات ، سنگهای قیمتی ابریشم و سایر چیزهای گرانبها میفروختند .

آدام اولیاریوس در سفرنامه خود مینویسد : که از دروازه تازه میدان بکوچه‌های سرپوشیده‌ای میرسید که کالاهای عادی در آنجا میفروختند . کاروانسراهای مختلف برای تجار خارجی ترك ، تاتار و هندو بود ، تجار اهل چین هم بودند که چینی میفروختند.^{۵۹}

قسمت اعظم تجار و صنعتگران دکاکین خویش را از متولی مقبره اجاره میکردند و چون شهر اردبیل واجد اهمیت بازرگانی بود ، از این رهگذر عوائد سرشاری نصیب متولی مقبره میگشت .

در شهر اردبیل در این زمان باندازه‌ای آب فراوان بوده که پتروودلاواله اردبیل رابه شهر ونیز تشبیه کرده است . تمام نهرها پر از ماهی قزل‌آلا بود . پتروودلاواله که همراه اردوی شاه عباس در سال ۱۰۲۷ هجری باردبیل آمده دراین باره مینویسد : «بعد از مراجعت از اسکندریه چنین ماهی خوشمزه‌ای نخورده بودم» .

هنگام تابستان عبور از نهرها آسان بود و در فصل زمستان

۵۸- سفرنامه تاورنیه ص ۱۲۳

۵۹- اردبیل درگذرگاه تاریخ جلد اول-بخش مربوط به سفرنامه اولیاریوس.

آب چنان زیاد میشد که در تمام کوچه‌ها بر روی آن‌ها پله‌های متعددی از آجر ساخته بودند تا مردم از روی آن عبور کنند. در کنار نهرها نیز درختان زیادی کاشته بودند که به زیبایی شهر میافزود. تمام خانه‌های شهر پر از درخت بوده و شهر اردبیل از دور شبیه جنگل بوده است.

شهر کوچه‌های فراوان داشت و پنج کوچه آن اصلی بود. تاورنیه جهانگرد فرانسوی درباره وضع این زمان شهر مینویسد: «خیابانهای اردبیل بواسطه درختهای بزرگ چنان که از دو طرف بخط مستقیم و فاصله‌های متساوی کاشته شده بسیار قشنگ و مصفاست بزرگی شهر بحد متوسط است.»^{۶۰} خانه‌های اردبیل مثل شهرهای دیگر ایران از گل و خاک بنا شده، کوچه‌ها خیلی تنگ و کج و معوج و بی‌قرینه هستند، فقط یک کوچه قشنگ وجود دارد که در منتهی‌الیه آن کلیسای آرامنه واقع شده است. رودخانه از وسط شهر میگذرد.^{۶۱}

(آنتونی جنکسن) جهانگرد معروف انگلیسی در سال ۹۷۰ هجری از اردبیل دیدن کرده مینویسد: «ما وارد مهمانخانه‌ای شدیم که از سنگ مرمر بنا شده و این مهمانخانه مخصوص اقامت مهمانها و شخصیت‌های معروف بشمار میرفت از ایوان این مهمانخانه که بوسیله شاه اسماعیل بنا شده بود دورنمای شهر و خط کاروانها که پیوسته از شهر میگذشتند دیده میشد و صدای زنگ کاروانها بگوش میرسید.»

از ساختمانهای خوب این زمان بعد از مقبره شیخ صفی که در زمان شیخ صدرالدین ساخته شده کاخ شاه (درمحل شاه‌باغی) بود

۶۰- سفرنامه تاورنیه - ص ۱۲۳.

۶۱- ایضاً ص ۱۲۳

۶۴- پتروشوسکی، مقاله پیشین.